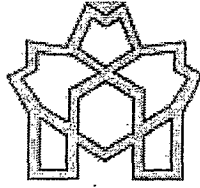


۱۱۳۹۷۶

کتاب ۰۰۷۰۲۰۲۲۸۱

۰۱۲۰۵۴۱۱۱۵۴۰۱۲

۱۰۱۸۰۴



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد - مطالعات منطقه ای

موضوع:

تغییر و تحول ترتیبات امنیتی اروپا پس از ۱۱ سپتامبر

استاد راهنما:

دکتر چگنی زاده

آموزشگاه عالی حقوق  
تهران

استاد مشاور:

دکتر دهقانی

۱۳۸۸ / ۲ / ۲۳

نگارش:

حامد یعقوب زاده

۱۱۳۹۷۲

تابستان ۱۳۸۲

# تقدیم به مادر و پدرم

## تشکر و قدردانی

این مجموعه حاصل راهنمایی های استاد دکتر چگینی زاده می باشد که فراتر از استاد راهنمای پایان نامه ، راهنمایی جهت روش زندگی علمی برای بنده بوده است . همچنین باید از آقای دکتر دهقانی فیروز آبادی که زحمت مشاوره پایان نامه به عهده ایشان بود قدردانی نمایم . شایان به ذکر است ترجمه ی متون انگلیسی دشوار این پایان نامه بدون کمک دوست و همراه صمیمی سرکار خانم مونا قاسمیان ، میسر نمی شد که باید از ایشان نیز تشکر نمایم .

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل ۱: کلیات و مبانی نظری
۱	الف) کلیات تحقیق
۶	ب) مبانی نظری
۶	امنیت
۱۵	منطقه و منطقه گرایی
۲۱	مجموعه امنیتی منطقه ای
۲۵	مجموعه امنیتی منطقه ای اروپا
۳۱	ایالات متحده آمریکا و مجموعه امنیتی منطقه ای اروپا
۳۹	فصل ۲: امنیت اروپا در دوره منازعه شرق - غرب
۴۰	منازعه شرق و غرب در اروپا
۴۵	۱- رقابت ابرقدرت ها
۷۴	۲- تضاد ایدئولوژیک
۸۲	۳- رقابت سنتی قدرت های بزرگ
۹۲	۴- منازعات قومی - ملی در اروپا
۹۶	۵- مسابقه تسلیحاتی

فصل ۳: امنیت اروپا از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱	۱۱۰
* اتحاد اروپا از آغاز تا ماستریخت	۱۱۴
جامعه زغال سنگ و فولاد	۱۱۵
معاهدات رُم	۱۱۵
قانون اروپای واحد	۱۲۱
* از معاهده ماستریخت تا سپتامبر ۲۰۰۱	۱۲۳
پیمان ماستریخت	۱۲۵
معاهده آمستردام	۱۲۸
معاهده نیس	۱۲۹
* ترتیبات امنیتی اروپا پس از جنگ جهانی دوم تا ۱۹۹۱	۱۳۱
پیمان دانکرک و پیمان بروکسل	۱۳۲
پیمان آتلانتیک شمالی و ناتو	۱۳۳
جامعه دفاعی اروپا	۱۳۵
اتحادیه اروپای غربی	۱۳۸
اجلاس هلسینکی تا سازمان امنیت و همکاری اروپا	۱۴۳
* ترتیبات امنیتی اروپا پس از جنگ سرد تا ۱۱ سپتامبر	۱۴۹
معاهده ماستریخت	۱۵۱

از ماستریخت تا آمستردام.....	۱۵۶
معاهده آمستردام.....	۱۵۹
از آمستردام تانيس.....	۱۶۶
اجلاس نيس .....	۱۷۲
<b>فصل ۴: امنیت اروپا پس از ۱۱ سپتامبر.....</b>	<b>۱۷۹</b>
اتحادیه اروپا پس از ۱۱ سپتامبر.....	۱۸۲
ترتیبات امنیتی اتحادیه اروپا پس از ۱۱ سپتامبر.....	۱۹۰
استراتژی امنیتی اروپا .....	۱۹۲
نتیجه گیری .....	۲۲۲
منابع و مأخذ .....	۲۳۰

فصل اول

# کلیات و مبانی نظری



## کلیات تحقیق:

### الف) طرح مسأله:

امنیت همواره از نگرانی‌ها و دغدغه‌های اصلی واحدهای سیاسی- و شاید مهم‌ترین دغدغه‌ی آن‌ها- بوده است. تعریف امنیت، تهدید و چگونگی مقابله با عوامل نا امنی مباحث نظری گسترده‌ای را شامل می‌شود. مباحث سنتی «کشور» را به عنوان ظرف امنیت تعریف کرده و بدین جهت به امنیت نظامی و مباحث استراتژیک در نگاه خود اولویت داده‌اند؛ اما با پایان جنگ سرد نگرش‌های نوینی در عرصه‌ی تئوری پردازی در باره‌ی امنیت، فرصت ظهور یافت.

از سوی دیگر اتحادیه اروپا به عنوان الگوی جدیدی از حکومت در عرصه‌ی روابط بین‌الملل، رفته رفته به جایگاه رفیع‌تری دست یافت و توانست نقش پررنگ‌تری در صحنه سیاست بین‌الملل بر عهده گیرد؛ لیکن اتحادیه در روند گسترش و تعمیق خود با یک چالش اساسی در حوزه‌ی مسائل امنیتی-دفاعی، مواجه بود و این بخش از کار به عنوان پاشنه‌ی آشیل اتحادیه مطرح می‌شد. از این رو در اتحادیه اروپا بحث امنیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ چرا که پس از جنگ سرد این اتحادیه در پی آن بود تا ترتیبات امنیتی مستقل و نوینی را با توجه به تعاریف خود از امنیت و تهدیدات ارائه دهد.

از طرفی حوادث ۱۱ سپتامبر به عنوان یک (Big Bang) و رخداد بسیار تأثیرگذار در عرصه روابط بین‌الملل و مسائل امنیتی به دوران جدیدی در جهان انجامید. یکجانبه‌گرایی ایالات متحده، حمله‌ی پیش‌دستانه، وسعت تخریبی حملات تروریستی، استفاده از ابزارهای تکنولوژیک در حملات، نا امنی گسترده فیزیکی و روانی برای شهروندان اروپایی و... همگی اتحادیه اروپا را در چالشی گسترده در

بعد مسائل امنیتی قرار داد و حتی به چند پارگی مواضع در برخی زمینه ها در بین اعضای اتحادیه انجامید.

اکنون با توجه به تأثیر شدید حوادث ۱۱ سپتامبر و واکنش اتحادیه اروپا در قبال این حوادث، در صددیم تا تأثیر حوادث ۱۱ سپتامبر را بر ترتیبات امنیتی اتحادیه اروپا بازشناسی کنیم.

### ب) سؤال اصلی تحقیق:

تغییر و تحول تهدید در اروپا و تأثیر آن بر ترتیبات امنیتی اتحادیه اروپا پس از ۱۱ سپتامبر چیست؟

### ج) فرضیه تحقیق:

حوادث ۱۱ سپتامبر سبب تغییر و تحول در تهدیدات امنیتی اتحادیه اروپا شده است ولی این تهدیدات تأثیری بر ترتیبات امنیتی اتحادیه اروپا نداشته است.

### د) متغیرهای تحقیق:

۱. متغیر مستقل

"حوادث ۱۱ سپتامبر"

۲. متغیر وابسته

"ترتیبات امنیتی در اتحادیه اروپا"

### ه) مفاهیم عمده تحقیق:

۱- ۱۱ سپتامبر: نقطه عطف شروع حملات تروریستی سازمان یافته علیه غرب و در خاک کشورهای غربی توسط گروه های اسلام گرای افراطی که از سال ۲۰۰۱ آغاز گردیده و حملات تروریستی لندن و مادرید در ادامه آن می باشد.

۲- اتحادیه اروپا: یک واحد سیاسی که چهره ی جدیدی از یک (Actor) بازیگر در صحنه روابط بین الملل می باشد و همانند سایر بازیگران در صدد است تا امنیت خود را تأمین نموده و با توجه به تهدیدات، تغییراتی در ترتیبات امنیتی خویش ایجاد کند.

۳- ترتیبات امنیتی: ساز و کارهای مصوب و اتخاذ شده - در اتحادیه اروپا - به منظور مقابله و جلوگیری از تهدیدات امنیتی.

### (و) اهمیت و نوآوری تحقیق:

به جهت اهمیت حوادث ۱۱ سپتامبر، مباحث بسیاری در این خصوص به رشته تحریر در آمده است که هر کدام از منظری به این وقایع می نگریند. لیکن عمده مباحث مطروحه در خصوص ایالات متحده، بنیادگرایی اسلامی، تروریسم و... می باشد و کمتر توجهی به تأثیرات این حوادث بر ترتیبات امنیتی منطقه ی دیگری چون اتحادیه اروپا شده است. در این رساله در صدد تصویر نمودن این بخش از بحث بوده و این که اتحادیه اروپا در قبال تهدیدات جدید چه روشی در پیش گرفته است.

### (ز) روش تحقیق:

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و شیوه ی جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای می باشد. در این رابطه سعی گردیده از حداکثر منابع موجود در کتابخانه و اینترنت استفاده شود و تا آنجا که میسر بوده منابع دست اول و مادر مورد توجه قرار گرفته و یا منبع ثانوی با منبع اولیه خود مورد تطابق قرار گرفته است.

## ح) ادبیات تحقیق:

در رابطه با مسأله یازدهم سپتامبر همان طور که گفته شد به سبب اهمیت و تأثیر به سزای موضوع در عرصه سیاست بین الملل، نظر پردازی بسیاری شده است و انبوهی مطالب شاید در پاره ای مواقع از کیفیت کار کاسته و حتی تشخیص سره از ناسره را دشوار نموده است.

با توجه به رویکرد نظری و استفاده از مستندات در این پایان نامه، در راستای موضوع مورد بحث ما، می توان به مباحث بری بوزان و همکاران وی در مکتب کپنهاگ و رویکرد مکتب انگلیسی در این خصوص و کتاب ها و مقالات آن ها در خصوص امنیت به طور عام و امنیت اروپا به طور خاص اشاره کرد. چند کار تحقیقاتی نیز توسط «السون ییلز» انجام شده که در سایت «Sipri» ([www.Sipri.com](http://www.Sipri.com)) قابل دسترسی است.

از سوی دیگر مجلات و سایت ISS (مرکز مطالعات امنیتی اتحادیه اروپا) نیز در خصوص مصوبات و ترتیبات امنیتی در اتحادیه اروپا بسیار مفید می باشد.

## ط) سازماندهی تحقیق:

این پایان نامه در چهار فصل تدوین شده است. در فصل ۱ پس از طرح کلیات، سؤال و فرضیه تحقیق به مباحث نظری پرداخته و مبنای تئوریک بحث را معرفی می نمایم. در فصل دوم ترتیبات امنیتی اروپا در دوره ی پس از جنگ جهانی دوم تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را تحت پارامترهای منازعه شرق- غرب بازنشاسی کرده و ریشه های تاریخی حرکت اروپا به سمت همگرایی امنیتی و دولت پست مدرن را نشان می دهیم. در فصل سوم همگرایی اروپا و تشکیل اتحادیه اروپا را

به همراه ترتیبات امنیتی اروپا در دوره پس از فروپاشی شوروی تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بررسی کرده و در فصل چهارم رویکرد امنیتی اتحادیه اروپا پس از ۱۱ سپتامبر را بر مبنای سند "استراتژی امنیتی اروپا" مورد ملاحظه قرار می دهیم. در پایان نیز در بخش نتیجه گیری به سنجش فرضیه می پردازیم.

## « امنیت »

امنیت و مسائل امنیتی، همواره در طول تاریخ بشری محل مناقشه و مجادله بوده است. وقوع جنگ های متعدد و بی شمار نشان می دهد که تا چه حد این امر در تاریخ زندگی انسان حائز اهمیت بوده و برای تأمین آن از هیچ اقدامی فروگذاری نکرده است. لذا مطالعات امنیتی و تلاش های نظری پردازانه برای فهم مبانی امنیت و چگونگی تأمین آن نیز از منظری ریشه در اعصار زندگی بشری دارد. اما این مطالعات شاید به سبب نگاه سنتی به تهدید، امنیت و مسائلی از این دست، فاقد تحول و پویایی زیادی بوده است.

از منظر دیگر مطالعات امنیتی، بسیار جوان و نوپا می باشد ولی در همین شرایط از پویایی و دینامیک بسیار بالایی برخوردار است. از این رو جنگ های اول و دوم جهانی و جنگ سرد به سبب گستردگی، توان تخریب بالا، اختراع بمب اتم و ورود آن به عرصه تسلیحاتی اثرات غیرقابل انکار و بی بدیلی را بر این مطالعات گذاشته اند.

پایان جنگ سرد مطالعات امنیتی را دگرگون ساخت و باعث شد تا راجع به مفروضات اولیه ای که اصول و اساس مطالعات امنیتی را شکل می دادند، تفکر مجددی صورت گیرد. با از میان رفتن ساختار دو قطبی جنگ سرد، توسعه ی مفاهیم جدیدی از امنیت ضرورت می یابد که هم واقعیت های نظامی جهان پس از جنگ سرد و هم واقعیت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را مورد توجه قرار می دهند. دیدگاه هایی که از این مفاهیم نوین سود جسته اند، حمله ی جدیدی را علیه مطالعات استراتژیک و توسعه مطالعات امنیتی شکل داده، و این سؤال را مطرح ساختند که معنای امنیت چیست؟ دیدگاه بری بوزان (Barry Buzan) یکی از مهم ترین دیدگاه های مورد بحث محسوب می شود.

از منظر بوزان، امنیت یک مفهوم ذاتاً در حال توسعه و جدال برانگیز است و معنای آن را با استفاده از

دو عنصر موجود در درک سنتی امنیت می توان بررسی نمود. عنصر اول بدین شرح است:

« امنیت جوامع بشری تحت تأثیر عوامل موجود در ۵ حوزه ی عمده می باشند. نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی.

به طور کلی، امنیت نظامی با اثر متقابل قابلیت های تهاجمی و تدافعی کشورها، و برداشت کشورها از اغراض و مقاصد یکدیگر در ارتباط می باشد. امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، دستگاه های دولتی و ایدئولوژی هایی که به ایشان مشروعیت می بخشد مربوط می شود. امنیت اقتصادی با دسترسی به منابع، سرمایه، و بازارهای مورد نیاز برای حفظ سطح قابل قبول رفاه (اجتماعی) و قدرت کشور مرتبط است. امنیت اجتماعی به قابلیت تداوم - در چارچوب شرایط قابل قبول تحول - الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی و سنن مربوط می شود. امنیت زیست محیطی به حفظ و نگهداری از زیست کره ی منطقه ای و سیاره ای به عنوان سیستم اصلی پشتیبانی که بقای بشر به آن وابسته می باشد، در ارتباط است. این پنج حوزه جدای از یکدیگر عمل نمی کنند. هر یک از آن ها کانونی را در مسأله ی امنیت و شیوه ای را برای ترتیب بندی الویت ها تعریف می کند، اما همگی در شبکه ی نیرومندی از روابط و پیوندها درهم تنیده شده اند.<sup>۱</sup>

رویکرد تفکیکی بوزان به امنیت، به نوعی با فرضیه های نظامی گرای مطالعات استراتژیک به مخالفت بر می خیزد. نگرانی امنیتی مطالعات استراتژیک، تأمین امنیت کشور در مقابل تهدید نظامی خارجی،

---

<sup>۱</sup> 1- B. Buzan , People ,states and Fear : An agenda for International security in the post- cold war Era (Boulder ,Co ,1991) ,PP.19-20

تنها یکی از ۵ گونه تهدیدی بود که هر کشور می توانست با آن مواجه گردد. این پیشنهاد که امنیت را می توان به شکل بخش به بخش در نظر گرفت و این که امنیت نظامی دیگر به عنوان تنها گونه ی امنیت در دنیا معاصر محسوب نمی شود، بازاندیشی در زمینه ی امنیت را موجب شده است. دلایل بوزان به ویژه به این سبب مهم می باشد که سبب توسعه ی درک ما از امنیت می شوند، که این امر معمولاً به معنای شرح و سبب بخش ملاحظات امنیتی می باشد.

دومین عنصر رویکرد سنتی امنیت که بوزان در مخالفت با آن سخن گفته، تمرکز کلی و همه جانبه آن بر کشور به عنوان «هدف اصلی» امنیت می باشد. هدف اصلی یعنی چیزی که قرار است محافظت و تأمین شود. در حالی که مطالعات استراتژیک مسأله ی تهدیدات نظامی و پاسخ به آن را کانون توجه خود قرار داده اند، در ادامه این فرض را مطرح نموده اند که امنیت کشورها معنا و مقصود امنیت نظامی است، و بدین ترتیب در مطالعات استراتژیک، کشور هدف اصلی امنیت به شمار می آید. شاید بتوان گفت که این فرض مبتنی بر یک نظریه ی سیاسی است که کشور را «ظرف» امنیت می شناسد. البته تحلیل گران استراتژیک احتمالاً می پذیرند، آن چه در نهایت اهمیت دارد، امنیت مردم است، و کشور صرفاً نهادی است که در یک محیط آناارشی بین المللی، قابلیت فراهم آوردن امنیت را دارد. از این رو همه ی آن چه باید مورد بحث قرار گیرد، امنیت کشورهاست. بوزان این بحث را مردود دانسته و اظهار می نمود که رابطه ی میان کشور و افراد بسیار پیچیده تر است:

«امنیت افراد در تناقضی ناگسستگی گرفتار آمده، به شکلی که این امنیت تا حدودی وابسته به کشور و تا حدودی مورد تهدید آن می باشد. این امکان وجود دارد که افراد به شیوه های گوناگونی از سوی



کشور خود تهدید شوند، همچنین این امکان نیز وجود دارد که افراد در نتیجه ی روابط متقابل کشورشان با دیگر کشورها در نظام بین الملل، از سوی کشور خود مورد تهدید قرار گیرند.<sup>۲</sup>

به علاوه این فرضیه رایج مطالعات استراتژیک و حوزه ی گسترده تر رشته ی روابط بین الملل، که بیان می دارد کشورها را می توان به شکل واحدهایی مشابه نگریست، از سوی بوزان مردود شمرده می شود. او استدلال می کند که کشورها را می توان بر حسب تهدیداتی که با آن ها مواجهند و ظرفیت آن ها در واکنش به آن تهدیدات، به دو گروه ضعیف و نیرومند تقسیم نمود. کشورهای ضعیف آن هایی هستند که نهادها و انسجام سیاسی در آن ها ضعیف می باشد، در حالی که کشورهای نیرومند از نهادهای قوی و انسجام سیاسی مستحکم برخوردارند. برای کشورهای ضعیف، حفظ حکومت در مقابل تهدیدات داخلی، بخش مهمی از مشکل امنیتی محسوب می شود<sup>۳</sup>

به رغم این مباحث، بوزان همچنان معتقد است که آنارشی، به همان معنایی که عموماً در نگرش های واقع گرایی به روابط بین الملل مراد است، فشارهای بسیاری را بر امنیت تحمیل کرده. مهم ترین آن ها این است که کشورها «هدف اصلی امنیت می باشند، چرا که آن ها هم چارچوب نظم و هم بالاترین منبع قدرت حاکم هستند». این امر ارتباط خط مشی حاکم با امنیت «ملی» را توضیح می دهد. بدین ترتیب، در حالی که بوزان استدلال می کند که حکومت ها لزوماً در تلاش برای کسب امنیت به یکدیگر شبیه نیستند، کشورها همچنان هم هدف اصلی و اولیه ی امنیت محسوب می شوند. به علاوه بوزان می پذیرد که کشورها در محیط آنارشی زندگی می کنند که در آن استفاده از زور هم امکان

---

<sup>۲</sup>- Ibid, PP. 96-107

<sup>۳</sup> Ibid , p.22

پذیر است. بنابر این، در حالی که او امکان یک تحلیل تفکیکی از امنیت را ارائه می کند، امنیت نظامی هنوز هم نزد وی ارجحیت دارد:

«به این دلیل که به کارگیری زور می تواند به گونه ای بسیار سریع، تغییرات ناخوشایند زیادی را سبب گردد، در ملاحظات امنیت ملی، تهدیدات نظامی به طور سنتی از اولویت اول برخوردارند. اقدام نظامی می تواند حاصل قرن ها تلاش در همه ی حوزه های دیگر را نابود سازد».<sup>۴</sup>

بوی بوزان، در عین حال که نهایتاً کشور را به عنوان هدف اصلی امنیت محفوظ می دارد، یکی از مشکل سازترین جنبه های این فرضیه که شهروندی و تابعیت، اعطاکننده ی امنیت است را مورد تهدید قرار می دهد:

«شهروندان با بسیاری از تهدیداتی مواجه می شوند که یا به صورت مستقیم و یا به طور غیرمستقیم از کشور سرچشمه می گیرد. این تهدیدات می توانند در زندگی شخص جایگاه مهمی را اشغال نمایند».<sup>۵</sup>

در این رهیافت بوزان و همکارانش در کپنهاگ، حداقل سه سطح تحلیل را در حکم اجزای تشکیل دهنده ی امنیت مشخص و معین می کنند: فرد، کشور و سیستم بین المللی مربوطه. با به کارگیری سطوح چند لایه و چند گانه، حداقل دو نوع معضل امنیتی مهم مشخص می گردد که، به جز در موردی که کشورها تلاش می کنند قدرت و نیروی نظامی شان مصون بماند، در بقیه ی موارد به صورت تهدیدی علیه یکدیگر در آمده و بدین ترتیب امنیتشان تضعیف می شود. معضل نخست وقتی بروز می کند که امنیت نظام مستلزم اعمال محدودیت های آشکار نسبت به خود مختاری ملی با

---

4. Ibid.p.117

5 Ibid,op.cit,P.44.Emphasis added

دخالت های ناخوانده (Intrusions) در آن باشد، که کشورها عمیقاً برای آن ها به عنوان سنگ بنای امنیت ارزش قائلند. در چنین شرایطی نظم و امنیت در یک سطح فقط به نسبت سطوح دیگر قابل دستیابی است. (اتحادیه اروپا در حال حاضر با یک چنین وضعیتی روبروست.) معضل دیگر هنگامی به وجود می آید که تلاش امنیتی یک کشور در سیاست بین المللی، امنیت شهروندانش را به خطر می اندازد (مثل تلاش های امنیتی عراق در دوران صدام حسین که مشکلات طاقت فرسایی را بر شهروندانش تحمیل کرده بود).

آشکار و واضح است که امنیت حقیقی مستلزم دستیابی به میزانی از پیشرفت و موفقیت در تسهیل و حل و فصل هر سه نوع معضل امنیتی مذکور می باشد: یعنی موفقیت در [یافتن] راه هایی جهت حفظ سیستم بین المللی مربوطه در برابر تهدیدات کشورها، حفاظت از کشورها در مقابل خطرات سیستم و حفظ جوامع از خطرات داخل سیستم در کشورها. این امر همچنین مستلزم مواجهه و مقابله با مناقشات داخلی شدید و طاقت فرساست که یک حوزه پیچیده و مشکل می باشد.

بازتاب ها و پیامدهای این امر شگفت آور است. برای مثال، هم اکنون مقبول و معقول است که اولویت و تقدم امنیت ملی کشور باید نادیده گرفته شود تا نیازهای یک مجموعه امنیتی منطقه ای تأمین گردد. نمونه های قبلی شامل شیوه هایی می شود که از سال ۱۹۴۵ در اروپا با آلمان و بعد از جنگ خلیج فارس با عراق برخورد شده است. به دلایلی، احساس وابستگی متقابل که برای اقدامات مشابه لازم است، امروزه بیشتر احتمال می رود که در سطح منطقه ای ظهور و بروز کند تا در سطح جهانی. در این شرایط، مناقشات داخلی برای مجموع امنیتی-منطقه ای حائز اهمیت می شوند. برای نمونه، سایر کشورها ممکن است اصرار ورزند که تحولات داخلی در [کشور] A مایه نگرانی زیادی

است اگر این تحولات توانایی A برای انجام مسئولیت‌ها و تعهداتش جهت ترتیبات امنیتی منطقه‌ای مهم را فلج و فشل کند. یک چنین تصور و برداشتی از تأثیر فعل و انفعال تحولات داخلی در روابط خارجی یک کشور، بیشتر فرآیند تحولات سازمان همکاری و امنیت در اروپا را تأیید می‌کند.<sup>۶</sup>

بوزان و همکارانش همچون آله وور (Ole waever)، مورتن کلستروپ (Morten kelstrup) و پیر لومتری (Pierre Lemaitre) دو کتاب در باره امنیت اروپای پس از جنگ سرد تألیف کرده‌اند و سعی آن‌ها بر این بود تا برداشت‌های دیگری از امنیت را توسعه دهند. در کتاب اول آنها نتیجه می‌گیرند که «شیفتگی اروپا نسبت به امنیت سنتی و متعارف نظامی و ایدئولوژیکی در آینده، اهمیت خود را به میزان بسیار زیادی از دست خواهد داد.»<sup>۷</sup> همچنین در کتاب دوم چنین استدلال می‌کنند که امنیت اجتماعی هم اکنون مؤثرترین و کارآمدترین ابزار برای درک دستور کار امنیت جدید در اروپا می‌باشد.<sup>۸</sup> آن‌ها بیان می‌دارند:

«امنیت اجتماعی به توانایی یک جامعه برای حفظ ماهیت اصلی خود در شرایط متغیر و در مواجهه با تهدیدات احتمالی یا واقعی مربوط می‌شود. به طور اخص، امنیت اجتماعی به تداوم – البته در محدوده‌ی شرایط قابل قبول برای تحول – الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب و هویت ملی ارتباط دارد. این تعریف ارائه‌ی هر گونه تعریف عینی برای این که چه زمان برای امنیت اجتماعی تهدیدی به وجود می‌

---

<sup>۶</sup> پاتریک ام. مورگان، نظم‌های منطقه‌ای (مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای و نظم‌های منطقه‌ای) – مترجمه سید جلال دهقانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی ۱۳۸۱، صص ۴۴-۴۵

<sup>۷</sup> B. Buzan, M. Kelstrup, P. Lemaitre, E. Tromer and O. Waever, *The European Security Order Recast* (London 1990)

<sup>۸</sup> Waever et al. .... *Identity, Migration and New Security Agenda in Europe* (London, 1993) P. ix.